

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۰۶ مارچ ۲۰۲۵

## دستها و جامه‌های خون‌آلود آخونخیل (حقانی‌ها)



در آخرین روز ماه فبروری امسال، رهبر جمعیت علمای اسلام (شاخه سمیع‌الحق) یکی از احزاب شدیداً محافظه‌کار پاکستانی که معاون مدرسه دارالعلوم حقانیه نیز بود، در حمله انتحاری کشته شد. بر اساس گزارش‌ها قاتل او لباس «روحانی» به تن داشت، و در پایان نماز در مسجد حقانیه به این سیاست‌مدار و عضو سابق مجلس نمایندگان پاکستان نزدیک شد و مواد انفجاری جاسازی‌شده در بدنش را منفجر کرد.

با توجه به اتفاقات چند دهه اخیر پاکستان و افغانستان این خبر بسیار تکراری به‌نظر می‌رسد. نه انتحار در مسجد تازگی دارد، نه کشته‌شدن سیاست‌مدار تندرو پاکستانی دور از انتظار است، و نه کشته‌شدن فردی که به مدرسه حقانیه نسبتی دارد چیز عجیب به‌نظر می‌رسد. نام حقانی‌ها با انتحار عجین شده است. آنان آموزش‌گاه‌های انتحاری دارند، کندک‌های انتحاری خود را به‌نمایش می‌گذارند و خود نیز گاهی طعمه حمله انتحاری می‌شوند. چند ماه قبل، در یازدهم دسامبر ۲۰۲۴، یک مهاجم انتحاری خلیل‌الرحمان حقانی وزیر امور مهاجران امارت طالبان را در داخل محوطه آن وزارت کشت.

رهبر مقتول جمعیت علمای اسلام (س) مولانا حامدالحق حقانی ۵۶ سال عمر داشت و حدود شش‌ونیم سال پیش بعد از کشته‌شدن پدرش، مولانا سمیع‌الحق حقانی، رهبری حزب را به‌عهده گرفته بود. سمیع‌الحق مشهورترین و بحث‌برانگیزترین چهره خانواده آخونخیل بود که از چندین نسل به این‌سو در شبه قاره هند در بازی‌های خون‌آلود سیاست، مذهب و تجارت دست داشته‌اند. از همین‌رو ترجیح دادیم به‌جای عکس حامدالحق که بتازگی کشته شده است، عکس پدرش را که در یک کمپاین سیاسی در سال‌های آخر عمرش گرفته شده، با این مقاله نشر کنیم. آخونخیل که اکنون به حقانی‌ها مشهور اند از شجره سیاسی-مذهبی خود تا قرن هفدهم با نام و تاریخ سخن می‌گویند و حتی مدعی‌اند که در تهاجمات غزنویان و غوری‌ها به شبه قاره هند نیز پدران روحانی‌شان سهم داشته‌اند.

مولانا سمیع‌الحق حقانی که به پدر معنوی طالبان مشهور بود، به تاریخ ۲ نومبر ۲۰۱۸ در شهر روالپندی به ضرب چاقو زجرکش شد. او هنگام مرگ ۷۹ سال سن داشت، و شاهد آغاز مذاکرات امریکائی‌ها با فرزندان طالبش بود و از «موفقیت‌های» سیاسی و مالی‌اش لذت می‌برد. در سال ۲۰۱۸ دفتر حزب و مدرسه او در اکوره ختک محل رفت‌وآمد رهبران سیاسی و دیپلمات‌های خارجی از جمله سفیر امریکا در اسلام‌آباد و محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور وقت افغانستان بود. او در آن دیدارها آشکارا برای برگشت طالبان به قدرت کمپاین می‌کرد و زمانی در مصاحبه با رویترز خطاب به امریکا گفته بود: «به آنان (طالبان) تنها یک سال فرصت بدهید، همه افغانستان را خوشحال خواهند کرد... همه افغانستان با آن‌ها است.»

سمیع‌الحق زنده نماند تا سطح شادی افغان‌ها را در چنگال فرزندانش ببیند، اما فرزند تنی و جانشین سیاسی‌اش مولانا حامدالحق ظاهراً در دو سال اخیر از آنچه در افغانستان و پاکستان جریان داشت راضی نبود و در رسانه‌های پاکستان از احتمال دخالت ملامت‌الله و اطرافیان‌ش در قتل او سخن رفته است. نجم عزیز سیتھی، روزنامه‌نگار سرشناس پاکستانی در مصاحبه با تلویزیون سماع مدعی شده است که قتل خلیل‌الرحمان حقانی در کابل و حامدالحق حقانی در اکوره ختک، نتیجه درگیری‌های درون‌جناحی طالبان و تلاش ملامت‌الله برای حذف رقیبان قدرت‌مندش است. او گفته است که حمایت حامدالحق از ضرورت تعلیم دختران خشم طالبان را برانگیخته و بارها مورد تهدید قرار گرفته بود. ذوالفقار حمید قومندان امنیه خیبر پختون‌خوا به روزنامه دان پاکستان گفته است که در یک سال اخیر دارالعلوم حقانیه اخطارهایی دریافت کرده بود و به همین دلیل دولت محلی ۱۷ تن نیروی امنیتی برای محافظت از آن مدرسه و مولانا حامدالحق توظیف کرده بود.

### «قبیله» مذهبی حقانی

لقب حقانی از اوایل جهاد در سیاست افغانستان ظاهر شد و سال‌ها در انحصار خانواده جلال‌الدین حقانی، معاون حزب اسلامی یونس خالص و یکی از فرماندهان قدرت‌مند جهادی بود که بیشتر در جنوب و جنوب‌شرق کشور فعالیت داشت و صاحب کانال مستقل با اردو و استخبارات پاکستان بود. جلال‌الدین حقانی و یونس خالص هر دو درس‌خوانده دارالعلوم حقانیه بودند و به گفته رهبر مقتول جمعیت علمای اسلام (س) در آغاز جهاد افغانستان، این دو در حقانیه مدرس بودند و دستور گرفتند که تدریس را رها کرده به جهاد بپیوندند. آقای حامدالحق حقانی این سخنان را در اوایل سال ۲۰۲۲ و با لحن یک مبلغ جهادی در یک مجلس دستاربندی در مدرسه حقانیه گفته بود. او از طالبان خواسته بود که از اعلام رابطه و تعلق‌شان به مدرسه حقانیه انکار نکنند: «به طالبان افغان می‌گویم که برادران ما نئید و ما پشت امارت شما ایستاده‌ایم. برای‌تان می‌گویم ای امیرالمومنین صاحب، ای وزیر اعظم کابل افغانستان، به حقانی نشر مید... با افتخار بگوئید که

پشت‌سرتان دست مولانا عبدالحق، مولانا سمیع‌الحق و مولانا نورالحق بود و از همین‌رو امروز امارت اسلامی در افغانستان ساخته شده است.»

این سخنرانی در گرماگرم کمپاین شاخه‌ای از آی‌اس‌آی تحت رهبری جنرال فیض حمید و حکومت عمران خان برای فخرفروشی درمورد نقش پاکستان در به قدرت‌رساندن طالبان انجام شده بود، و از همان‌رو لحن بسیار تهاجمی داشت. یکسال بعد ورق‌ها برگشت و عمران خان و جنرال حمید مغضوب اردو و آی‌اس‌آی گشتند و در نتیجه موضع حامدالحق نیز تغییر کرد. در مصاحبه‌ای که بتازگی به مناسبت مرگ او بازنشر شده و به‌نظر می‌رسد در اواخر ۲۰۲۳ یا اوایل ۲۰۲۴ انجام گرفته، مولانا حامدالحق دیگر لحن تبلیغی و تهاجمی ندارد و از نقش مستقیم مدرسه حقایبه در جهاد افغانستان انکار می‌کند. او این‌بار می‌گوید جلال‌الدین حقانی و یونس خالص به اختیار خود و بدون هدایت بانی و رهبر حقایبه به جهاد پیوستند.

مرور سخنرانی‌های حامدالحق در چهار سال آخر عمرش بروشنی نشان می‌دهد که چگونه نبض موضع‌گیری‌های او را چین‌پیشانی جنرالان پاکستان تنظیم می‌کرده است. قابل یادآوریست که گردانندگان مدرسه حقایبه به نقش سیاسی خود و مدرسه شان اذعان دارند، در انتخابات شرکت می‌کنند، برای چوکی در مجلس نمایندگان و سنای پاکستان، در حکومت‌های ایالتی و فدرال کمپاین می‌کنند، با احزاب دیگر رقابت و اتحاد می‌کنند. در نتیجه، دین و مدرسه برای آنان ابزار قدرت است و حقایبه اکنون یکی از مدارس بسیار تأثیرگذار سیاسی در منطقه ما شده است.

در جایی که مدرسه حقایبه قرار گرفته و محیطی که حقانی‌ها در آن سیاست می‌کنند قومیت و مسایل قبیله‌ای نیز به اندازه مذهب پررنگ است. از این‌رو مدرسه حقایبه با آن‌که حزب دارد، حزبیست جمهوری را تبلیغ می‌کند، در انتخابات شرکت می‌کند و صاحب پیوند استوار با استخبارات و اردوی پاکستان می‌باشد، در عین حال ساختار قومی و قبیله‌ای دارد. مأموریت اصلی مدرسه حقایبه کمک به دولت پاکستان در مدیریت مسأله پشتون‌هاست. حقایبه با تضعیف نیروهای سکویا و قوم‌گرای پشتون، ارائه بدیل برای قومیت و ایجاد شبکه شبه قبیله‌ای که بتواند گروه بزرگی از سیاست‌مداران، ملاها و متنفذان پشتون را در سراسر افغانستان و پاکستان شبیه یک قبیله به هم پیوند بدهد و آنان را در برابر ناسیونالیسم پشتون بسیج کند، این مأموریت را با موفقیت انجام داده است. اکنون حقانی مثل احمدزی، بارکزی، پوپلزی، مومند، یوسفزی، اچکزی و ختک لقب هزاران پشتون است که در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و تعلیم فعالیت دارند و برای نفوذ سیاسی در جامعه پشتون رقابت می‌کنند. حقانی‌ها اکنون از قدرت‌مندترین قبایل پشتون‌اند، بی‌آن‌که واقعاً قبیله باشند. آنان را می‌توان قبیله مذهبی خواند. حقانی‌ها در افغانستان با داعیه‌داران ملی‌گرای افغان، و در پاکستان با متنفذان قومی و قبیله‌ای پشتون و فعالان ناسیونالیسم پشتون در جنگ‌اند. آنان به زبان پشتو سخن می‌گویند، لباس پشتون به‌تن دارند، از جامعه پشتون سربازگیری می‌کنند و می‌کوشند نمایندگی این قوم را در سیاست انحصار کنند، اما به منافع این مردم از دریچه چشم جنرالان و سیاست‌مدارانی نگاه می‌کنند که ملی‌گرایان پشتون را خطر می‌دانند. حقانی‌ها اکنون با جنبش تحفظ پشتون در پاکستان و جمهوری‌خواهان و ملی‌گرایان افغانستان در جنگ‌اند. در بیست سال جمهوری هزاران روشنفکر، متنفذ محل، کلان قوم و افراد ملی‌گرا و ناسیونالیست پشتون در سراسر افغانستان، به‌ویژه در دو سوی مرز دیورند کشته شدند. قبیله مذهبی حقانی که غیر از شبکه حقایبه، در دیگر شاخه‌های طالبان افغانستان و پاکستان فعالیت داشتند، متهم اصلی این کشتار است.

مدرسه حقایبه و شبکه حقایبه این نقش را چنان مؤثر بازی کرده است که حتی صدراعظم پاکستان در جایی گفته است که حقایبه قبیله پشتون است، و سلیم صافی خبرنگار پاکستانی در یک مصاحبه از حامدالحق حقایبه پرسیده است که آیا

حقانی بر استی قبیله است؟ رهبر جمعیت علمای اسلام (س) و معاون مدرسه حقانیه در آن مصاحبه توضیح داده است که نخیر حقانی نسبت افتخاری کسانی است که در این مدرسه آموزش دیده‌اند.

### اکوره ختک پرورشگاه «قبیله حقانی»

اکوره ختک در جغرافیای سیاسی پشتون‌ها محل تاریخی بسیار ارزشمند و همسنگ میوند و شیرسرخ است. می‌دانیم که شیرسرخ را محل تولد امپراتوری ابدالی می‌دانند و میوند به نماد ایستادگی برای حفاظت از آن گذشته پر افتخار قومی در آخرین سنگر مبارزه در برابر استعمار انگلیس بدل شده است. اکوره ختک بسیار پیش‌تر از قندهار، شیرسرخ و میوند منزلت تاریخی‌اش را کمائی کرده بود و نامش را از اکور خان، پدرکلان خوشحال خان ختک گرفته است. اکور خان در قرن شانزدهم میلادی همزمان با رویارویی سوری‌های پشتون با شاهان گرگانی هند زندگی می‌کرد، و نواسه‌اش خوشحال خان ختک در قرن هفدهم میلادی (۱۶۱۳-۱۶۸۹) شاعر مشهور حماسی و سیاست‌مدار سخت‌کوش، یکی از مقاومت‌های ماندگار را در برابر مغولان هند رهبری کرده بود. بعد از آن نیز اکوره و نوشار بارها میدان رویارویی حاکمان، شاهان و جنگجویان پشتون با رقیبان‌شان در شبه قاره هند بوده است. موقعیت اکوره و نوشار در کنار دریای کابل از آن گلوگاهی برای کنترل وادی پیشاور ساخته است و شاهان مغل، سکه‌های پنجاب، هند بریتانوی و پاکستان همه در اکوره ختک با مقاومت پشتون‌ها روبه رو شده‌اند و آنجا را بعد از تسخیر به مقر اداره نظامی و استخباراتی مناطق پشتون‌نشین تبدیل کرده‌اند. حالا نیز در کنار دریای کابل در نوشار قشله‌های عسکری، آموزشگاه‌های نظامی، ادارات استخباراتی و مدرسه حقانیه باهم دستگاه بسیار قدرت‌مندی را تشکیل داده‌اند که سایه‌اش در کل جامعه پشتون و افغانستان حس می‌شود. از همین رو می‌توان گفت که نوشار همان نقشی را در خیبرپختون‌خوا و سراسر مناطق پشتون‌نشین و حتی امور افغانستان بازی می‌کند که راولپندی در اداره پاکستان. نقش مدرسه حقانیه در تکثیر و تقویت این سایه بسیار پررنگ‌تر از قشله‌ها و آموزشگاه‌های نظامی آن‌جاست. مدرسه حقانیه چون پایتخت قدرت نرم و مذهبی پاکستان از آنجا هزاران مدرسه را در سراسر افغانستان و پاکستان انگیزه و برنامه می‌دهد.

هر سال بین چهار تا پنج هزار نفر طالب در مدرسه حقانیه مشغول آموزش تمام‌وقت اند. طالبان در آنجا درس می‌خوانند، غذا می‌خورند و می‌خوابند. اکثریت این طالبان از مناطق پشتون‌نشین پاکستان و افغانستان می‌آیند. ولی تعداد قابل توجه طالبان غیرپشتون افغانستان، ساکنان آسیای میانه، ایران، چین و در مواردی عرب نیز آنجا آموزش دیده‌اند. فارغان حقانیه در سراسر منطقه در نقش ملای مسجد، معلم مکاتب، مأموران اداری، مدرس مدرسه‌های خرد و کلان، مقامات سیاسی و جنگجو نفوذ بانیان این مدرسه را تکثیر و حمایت می‌کنند. آنان چون شاخه مذهبی و گروه ایدیولوژیک تعلق خود را به مدرسه حقانیه و دیوبندیزم حفظ می‌کنند و به آن می‌بالند.

پول‌های هنگفت خارجی که در دوران جهاد و بیست سال تهاجم امریکا در افغانستان و پاکستان ریخته شد، به تقویت فرقه‌های سیاسی-مذهبی چون حقانی منجر گردید. کاهش کمک‌های خارجی و پایان جنگ به سود طالبان، شیرینی موقت «پیروزی» را به کام پاکستان و مدارس چون حقانیه تلخ کرده است. در ماه سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، دو سال پس از پیروزی طالبان، در رسانه‌ها خبری مبنی بر ورشکستگی مالی مدرسه حقانیه پخش شده بود. در ویدیویی که پس از آن خبر در مصاحبه با مسؤولان و طالبان مدرسه حقانیه تهیه شده است، طالبی می‌گوید مدرسه حقانیه در عمر ۷۵ ساله‌اش چنین روز سختی را تجربه نکرده است. مسؤولان مدرسه می‌گویند که مردم عادی و عاشقان حقانیه با شنیدن این خبر از سراسر پاکستان برای‌شان پول و خوارکه آورده‌اند، اما در لحن و چهره طالبان و مسؤولان آن مدرسه نگرانی آشکار دیده می‌شود.

رهبران حقانیه می‌کوشند تأثیر کاهش کمک‌های خارجی و پایان «جهاد افغانستان» را بر بودجه مالی خود کم‌اثر جلوه‌دهند. آنان می‌گویند که منبع اصلی درآمدشان کمک‌های کارگران، صدقه مؤمنان، فطره روزه‌داران و زکات خیرخواهان است. اما، با توجه به کثرت بیش‌ازحد مدرسه در پاکستان و افغانستان، و گسترش شاخه‌های مستقیم و غیرمستقیم خود مدرسه حقانیه، کمک‌های کارگران و زکات مؤمنان برای تأمین معیشت آن‌همه ملا و طالب کافی نیست، و آنان مجبور اند راه‌های دیگری برای تمویل فعالیت‌های خود جست و جو کنند و یا به عقب‌نشینی و کاهش فعالیت گردن نهند.

منظور پشتین که تازه‌ترین جنبش قومی پشتون را در برابر پروژه‌های جهادی و جنرالان پاکستانی رهبری می‌کند، شب ۲۸ فیروزی در پیام کوتاهی حمله انتحاری به جان مولانا حامدالحق را تقبیح کرد. او که بیشتر پیام‌هایش را به زبان پشتو می‌نویسد، این تقبیح را به زبان اردو نشر کرده و در آن از نقش جنرالان پاکستانی و ادارات استخباراتی آن کشور در بربادی وطن پشتون‌ها یاد نموده و هموطنانش را به اتحاد در برابر جنگ‌های دالری و سیاست‌های نظامی (جرنیلی سیاست) دعوت کرده است. در واقع ملی‌گرایان پشتون، مدرسه حقانیه و رهبران پشتوزبان آنرا بخشی از دستگاه استخباراتی پاکستان دانسته و مرگ حامدالحق را نیز ضایعه‌ای برای جامعه پشتون نمی‌دانند تا به زبان پشتو تسلیت بگویند.

رویارویی ملی‌گرایان پشتون با پروژه‌های مذهبی پاکستان هنوز ادامه دارد، و طالبان پاکستان که به رقیب جنبش تحفظ پشتون و دیگر حرکت‌های ملی‌گرای پشتون بدل شده و عرصه را برای فعالیت نیروهای غیرطالبانی در خیبرپختونخوا تنگ نموده است، در چشم کسانی چون منظور پشتین دست‌پروردگان دشمنان جامعه پشتون و نوکران جنرال‌های پاکستانی اند. آنان به این باور اند که اگر منطقه دوباره میدان رقابت‌های گرم خارجی نشود و ارسال دالر و سلاح برای تقویت تندروری متوقف گردد، طالبان و قبیله مذهبی حقانی تضعیف خواهند شد و گروه‌های ملی‌گرا جان خواهند گرفت.

سرکوب ملی‌گرایی پشتون طی یک دوره تاریخی طولانی در پاکستان اجراء شده است و بنیادهای سنتی این قوم برای اتحاد و همکاری سیاسی آسیب جدی دیده است. جوامع پشتون به‌طور سنتی در حلقه‌های قبیله‌ای و اتحادهای قومی بسیج می‌شده‌اند. خان‌ها، ملک‌ها و متنفذان قبیله‌ای نقش رهبری را بازی می‌کرده‌اند. آن زمان جامعه پشتون به دو دسته سیال و کسپه (کسبه‌کار) تقسیم‌بندی می‌شدند. سیال‌ها صاحب زمین و شجره قبیله‌ای بودند، و کسپه‌ای‌ها همان‌طوری که از عنوان‌شان پیداست مشغول کسبه‌کاری بودند و مالاها نیز بخشی از این گروه اجتماعی شمرده می‌شدند. اخونخیل، پدران بنیان‌گذار مدرسه حقانیه از جمله کسبه‌های هائی اند که در اثر تضعیف سیال‌هایی چون نبیره خوشحال خان ختک، صاحب قدرت و نفوذ بسیار شده اند. اخونخیل‌ها به هیچ یکی از قبایل قدرتمند پشتون خود را نسبت نمی‌دهند، و در عوض به مذهب تکیه می‌کنند. از آنجائی که ظرف اجتماع و سیاست در جامعه پشتون هنوز قبیله‌ای است، اخونخیل با توسل به مذهب و بی‌آن که نسبت «سیالی» داشته باشند قدرت‌مندترین قبیله شده‌اند. قبیله مذهبی حقانی.

قرار گرفتن در صدر قبیله در جامعه پشتون، خونین‌جامگی به‌همراه دارد. خوشحال خان ختک در نیمه دوم قرن هفدهم در شعری سروده بود که «از پدر و پدرکلان خان و سردارم، و کارنامه‌ام جنگ‌وجدال است. هم پیروزی و هم ناکامی دیده‌ام، و خوی و خصلت قتل و کشتار دارم. پدر و پدرکلانم با مرگ طبیعی به گور نرفته‌اند، و نسل اندر نسل هنر ما «شهیدشدن» است»:

کارنامی لرم د جنگ او د جدال	په ابا او په اجداد خان او سردار یم
خوی خصلت لرم د قتل د قتال	که بری که هزیمت واره لیدلی
پښت پر پښت می هنر دادی آل په آل	پلارنیکه می شهیدان وگورته تللی

آخون خیل حقانی در نیم قرن گذشته مقام «خان و سردار» جهادی را در جامعه پشتون به دست آورده‌اند، مشغول قتل دیگرانند و خود نیز کشته می‌شوند. مولانا سمیع‌الحق حقانی را چهار نفر با کارد و دیگر وسایل برنده در تخت خواب، در روالپندی مرکز فرماندهی اصلی خان‌های جهادی کشتند، و فرزند و جانشینش حامد‌الحق حقانی را در مسجد با همان روشی که حقانی‌ها حریفان خود را حذف می‌کنند (انتحاری) کشت.

\*\*\*\*\*

یادآوری: این نوشته در زن‌تایمز نیز نشر شده است.  
کسانی که در خواندن متن انگلیسی راحت‌ترند نیز در صفحه زن‌تایمز می‌توانند ترجمه انگلیسی مقاله را بخوانند.